**ماجرای سند 2030 یونسکو در ایران!**

 **بهرام رحمانی**

**bahram.rehmani@gmail.com**

**مدتی‌ست که از خامنه‌ای و قوه قضاییه و مقننه و اجرایی گرفته تا آخوندهای ریز و درشت بر علیه سند 2030 یونسکو داد و فغان راه انداخته‌اند که امت حزب‌الله چرا نشسته‌اید به پا خیزید اسلام در خطر است! قرار است بنیاد خانواده برافکنده شود؛ هم جنس‌گرایی و زندگی آزاد تبلیغ و ترویج شود و مدارس را فساد اخلاقی بگیرد و...**

**ابتدا رسانه‌های امنیتی و متعلق به حاکمیت شروع تبلیغاتی را علیه «سند 2030» یونسکو راه انداختند و سپس «رهبر» وارد معرکه شد و اعلام کرد که «جمهوری اسلامی تسلیم سندهایی مانند سند 2030 یونسکو نخواهد شد.»**

**علی خامنه‌ای گفته است که جمهوری اسلامی تسلیم سند آموزشی 2030 یونسکو نمی‌شود. او تاکید کرد که تصویب و اجرای سند یونسکو مجاز نبوده است. به‌گفته خامنه‌ای: «این‌جا جمهوری اسلامی است»!**

**در هفته معلم و بنا بر رسم سالیان گذشته، گروهی از فرهنگیان و دانشجویان نزد خامنه‌ای رفته و او هم سخنانی خطاب به آنان گفته است. این بار محور اصلی سخنان رهبر جمهوری اسلامی، سند 2030 یونسکو بود.**

**خامنه‌‌ای در جمع معلمان و دانشجویان تاکید کرد که جمهوری اسلامی ایران زیر بار چنین سندهایی نمی‌رود و در برابر آن‌ها تسلیم نمی‌شود.**

**در شهریور 1394 - سپتامبر 2015، اهداف دستور کار مبانی توسعه پایدار 2030 که 17 هدف اصلی و 169 هدف فرعی دارد برای اقدام عملی همه کشورها برای تحقق حکومت یک‌پارچه در سازمان ملل ارائه شد. ایران نیز از کشورهای شرکت‌کننده در این اجلاس بود که متعهد به اجرای این سند شد و پس از آن سند ملی آموزش 2030 جمهوری اسلامی ایران با مدیریت و برنامه‌ریزی دفتر یونسکو در ایران با تشکیل 30 کارگروه تخصصی تدوین و آماده و در تاریخ 20 آذر 95 رونمایی شد.**

****

**سند 2030**

**واقعا چه خبر است؟ در این سند، از مسائلی مثل ایجاد امکانات آموزشی برابر برای همه کودکان و جوانان و به‌ویژه رفع تبعیض جنسیتی سخن رفته است.**

**اجرای سند 2030 یونسکو، به حکم علی خامنه‌ای متوقف شده است و حتی بحث آن در دوره تبلیغات ریاست جمهوری به کشمکش نامزدهای ریاست جمهوری نیز تبدیل شده بود. اکنون نمایندگان مجلس شورای اسلامی در حال بررسی این موضوع هستند که چگونه وزارت آموزش و پرورش موفق شد شورای عالی انقلاب فرهنگی را دور بزند، سند 2030 یونسکو را تایید و اجرای آن را در برنامه‌هایش قرار دهد.**

**هم‌زمان گزارشی از تخلفات وزیر آموزش و پرورش در روز چهارشنبه 20 اردیبهشت 1396، در صحن علنی مجلس قرائت ‌شده بود. البته عضویت فخرالدین احمدی دانش آشتیانی در هیات مدیره یک شرکت خصوصی نیز افشا شده و گویا با اجرای سند یونسکو هم ربط داده شده است.**

**شیخ حسن روحانی از یک «توطئه» سازمان یافته  پیرامون 2030 یونسکو سخن گفته است. فاطمه سعیدی، نماینده تهران و عضو هیات رییسه کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس اعلام کرده که از وزیر اطلاعات برای حضور در مجلس شورای اسلامی «برای کشف ریشه تهمت‌های مرتبط با سند 2030» دعوت شده است. بنابراین، حمله به سند یونسکو از تریبون‌های حاکمیت ادامه دارد.**

**شورای اطلاع‌رسانی دولت با صدور بیانه‌ای درباره سند 2030 تاکید کرده که نظر رهبر جمهوری اسلامی درباره سند «چارچوب اقدام آموزش 2030»، که در تاریخ 17 اردیبهشت 1396، در دیدار با معلمان مطرح شد، از همان لحظه «مورد توجه و اهتمام جدی دولت» قرار گرفته است. این بیانیه، عقب‌نشینی آشکار دولت حسن روحانی از وعده‌هایی است که برای چهار سال اول ریاست جمهوری خود داده بود.**

**یونسکو گفته است تنها 142 میلیون نوجوان 15 تا 17 ساله که دبیرستانی محسوب می‌شوند از تحصیل در مدارس محروم هستند. از جمله دلایل این موضوع اجبار این نوجوانان در گرداندن چرخ زندگی و کار کردن آن‌هاست. هم‌چنین در بسیاری از کشورها برای این گروه سنی اجبار تحصیل وجود ندارد.**

**معاون فرهنگی و اجتماعی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سازمان «یونسکو» را یکی از جریان‌های «جبهه معارض فرهنگی انقلاب» دانست و ادعا کرد که آیت‌الله علی خامنه‌ای، خواستار توقف برخی فعالیت‌های آن سازمان در ایران شده است.**

**سند آموزشی یونسکو چه مضمون و متوایی دارد که این‌چنین خشم خامنه‌ای را برانگیخته است؟ سند آموزشی 2030 یونسکو، که تحت عنوان «چارچوب عمل ملی آموزش 2030 جمهوری اسلامی ایران» در آذرماه 1395 منتشر شده است. یک سند 368 صفحه‌ای که به مسائل بسیار متنوعی می‌پردازد.**

**سند آموزشی 2030 یونسکو، در همایش عالی کشورهای عضو سازمان ملل در سپتامبر 2015، به تصویب رسید. هدف آن بهبود کیفیت آموزش در کشورهای مختلف است. کشورهای عضو با امضای این سند توافق کردند که از ژانویه سال 2016 اعتبارات لازمه را برای بهبود آموزش پیش‌بینی کنند.**

**سند یونسکو، با عنوان «به سوی آموزش و یادگیری مادالعمر با کیفیت، برابر و فراگیر برای همه» به تصویب رسید.**

**کمیسیون ملی یونسکو در ایران با همکاری چند وزارتخانه، از جمله وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و وزارت کار، مختصات اهداف تصریح شده در نشست شانگ‌های کشورهای عضو یونسکو را با شاخص‌های جامعه ایران تطبیق داده و بر اساس آن‌ها، متن سند آموزش 2030 برای ایران را تدوین کردند.**

**در این سند، شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه ایران و هم‌چنین ترکیب جمعیتی کشور مورد بررسی قرار گرفته و سپس نگاهی دارد به ساختار آموزشی کشور در همه سطوح، یعنی از پایه تا آموزش عالی.**

**در این سند، رابطه و پیوند آموزش و توسعه مورد توجه قرار گرفته و برای پیش‌برد آموزش اعتبار پیش‌بینی شده است. از دیگر مسائلی که در این سند مورد توجه قرار گرفته، می‌توان به نابرابری‌های آموزشی برای زنان و مردان اشاره کرد.**

**محدودیت‌های زنان در عرصه آموزش، از جمله در اثر ازدواج‌ در دوران نوجوانی و هم‌چنین در حوزه اشتغال، از مواردی هستند که باعث سلب حق برخورداری زنان از آموزش می‌شوند.**

**بر اساس اهداف اعلام شده توسط یونسکو‌(سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی ملل متحد)، از سال 2015 تا 2030، تمام کشورهای عضو سازمان ملل باید تلاش کنند که به اهداف و شاخص‌های توسعه پایدار دست پیدا کنند.**

**«آموزش باکیفیت» یکی از اهداف هفده‌گانه یونسکو برای توسعه پایدار است که خواهان آموزش برابر، فراگیر، عادلانه همراه با برابری جنسیتی در کشورهای عضو است.**

**در گزارشی که از جمله خبرگزاری حکومتی «ایسنا» از سخنان خامنه‌ای در جمع معلمان، فرهنگیان و دانشجویان منتشر کرده، دلایل واقعی مخالفت او با متن سند روشن نمی‌شود. خامنه‌ای در سخنان خود به چند نکته درباره تدوین سند آموزشی یونسکو اشاره کرده است.**

**\*یونسکو یک مجموعه بین‌المللی است که «قطعا تحت نفوذ قدرت‌های دنیاست.»**

**\*خامنه‌ای معتقد است: «اصل کار غلط است. این‌که ما برویم سندی را امضاء کنیم و بعد هم بیایم بی‌سروصدا آن را اجرا کنیم؛ نخیر! مطلقا مجاز نیست؛ ما اعلام کردیم.»**

**\*خامنه‌ای از شورای عالی انقلاب فرهنگی در باره تصویب این سند انتقاد می‌کند و می‌گوید: «بنده از شورای عالی انقلاب فرهنگی هم گله‌مند هستم. آن‌ها باید مراقبت می‌کردند و نباید می‌گذاشتند که کار به این‌جا بکشد که ما بیاییم و جلوی این کار را بگیریم. این‌جا جمهوری اسلامی است.»**

**این در حالی است که در واپسین روزهای سال گذشته، یعنی در روز 28 اسفندماه 95، سایت افکارنیوز، به نقل از حجت‌الاسلام علی ذوعلم، به‌ اانتقادهای او به سند یونسکو می‌پردازد.**

**ذوعلم بر این عقیده است که هدف سند آموزشی 2030 یونسکو تربیت «شهروند جهانی» است. حال آن‌که در جمهوری اسلامی ایران هدف از آموزش، تربیت شهروند انقلابی، ایرانی و اسلامی است. ذوعلم، ادعا می‌کند که سند آموزش 2030 منجر به انحراف اذهان از تحول بنیادین می‌شود. تحولی که از نظر او همان «انقلاب اسلامی» است.**

**یکی دیگر از اختلاف‌های عمده مورد نظر سران حکومت اسلامی ایران، در رابطه با سند یونسکو، آموزش زنان است. در حالی که در سند مورد نظر خامنه‌ای، نامی از جنسیت و «زن» نیامده، در سند مورد نظر دولت اسلامی ایران، طبق هدف‌های سازمان ملل، یکی از سرفصل‌ها «برابر سازی فرصت‌های آموزشی برای زنان و دختران» است.**

**در سند یونسکو که مورد تایید دولت است، هم‌چنین به تخصیص بورس‌های تحصیلی و «توسعه همکاری‌های علمی و بین‌المللی در آموزش عالی و مهندسی» و همکاری‌های بین‌المللی برای آموزش معلمان تاکید شده و سرفصلی هم به «آموزش شهروندی» اختصاص دارد.**

**اما سند مورد نظر خامنه‌ای، نگاهی داخلی دارد، و در آن نشانه‌ای از آموختن سازمان یافته از غرب نیست. برعکس بر نفوذ ایران بر جهان تاکید شده است و در هدف کلان دوم آمده که نظام آموزشی ایران باید «زمینه‌سازی برای اقتدار و مرجعیت علمی و تکوین تمدن اسلامی ایرانی در راستای تحقق جامعه جهانی عدل مهدوی» باشد.**

**بیانیه‌ای از طرف گروهی که در آن، به برابری جنسیتی در آموزش که یکی از هدف‌های سازمان ملل و نسخه ایرانی آن است انتقاد شده است. در این بیانیه آمده: «از دستاوردهای این برنامه عدم تفکیک جنسیتی در محیط آموزشی، تغییر کتب درسی با حذف نقش‌های مادری و همسری و مشابه نشان دادن زن و مرد در تمام عرصه‌ها... است.»**

 ****

**گروه «بانوان فرهیخته خراسان رضوی» از مخالفان برابری جنسیتی در آموزش هستند**

**یکی دیگر از محورهای انتقاد «غیر اسلامی» شدن آموزش در ایران، ورود تفکرات غیر دینی‌(سکولار) و هم‌چنین آموزه‌های انسان‌گرایانه غربی، در برابر آموزه‌های «خدا محو» اسلامی است.**

**پیش‌تر هم خامنه‌ای بارها، خواستار پایان آموزش علوم انسانی به روش غربی و انسان‌گرایانه در دانشگاه‌ها و مدرسه‌ها شده بود. در یک یادداشت روزنامه کیهان بعد از رونمایی از سند 2030 آمده است: «مهم‌ترین دستاورد آن نفوذ جریان‌ها و منابع روشنفکری و سکولار در فضای آموزشی و تربیتی کشور بر مبنای آموزه‌های غربی است. این هدف آشکارا در کتابچه‌های راهنمای یونسکو با عنوان آموزش همگانی جهانی به چشم می‌خورد.»**

**یکی دیگر از محورهای انتقادها، آموزش‌های بین‌المللی معلمان است. در سند‌های اصلی سازمان ملل، مخصوصا بر آموزش معلمانی که با دانش‌آموزان ناتوان، معلول یا دارای مشکلات خاص تاکید شده است تا آموزش «فراگیر» باشد. همچنین بر انتقال تکنولوژی‌ها و تجربه‌های آموزشی و در مجموع علم آموزش میان کشورهای عضو سازمان ملل تاکید شده است. اما برای نمونه حسن رحیم‌پور ازغدی عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، این پیشنهادات را «نظارت مستشاران خارجی بر آموزش و پرورش» ایران خوانده است.**

**حسن رحیم‌پور‌ازغدی، از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، پیش از این گفته بود که طبق سند 2030 «مستشاران خارجی باید به آموزش و پرورش ایران نظارت کنند.»**

**او گفت که در این سند نگاه لیبرال و نئولیبرال به حقوق کودک، آموزش و پرورش و زن و خانواده وجود دارد گرچه اشتراکاتی با مفاهیم اسلامی دیده می‌شود اما تناقض‌های بنیادی هم وجود دارد.**

**خامنه‌ای خطاب به شورای‌عالی انقلاب فرهنگی و دولت گفت: «اگر چنان‌چه با اصل کار نمی‌توانید مخالفت کنید، صراحتاً اعلام کنید که جمهوری اسلامی ایران در زمینه آموزش و پرورش، دارای اسناد بالادستی است و احتیاجی به این سند ندارد. منظور خامنه ای از سیاست بالا دستی همان «سند تحول آموزش و پرورش» است که نظارت بر اجرای آن را به حداد عادل سپرده است.**

**خامنه ای تاکید کرد: «من به‌طور جدی از وزیر محترم و مسئولان می‌خواهم که موضوع اجرایی شدن سند تحول را پیگیری کنند زیرا آموزش و پرورش نیازمند تحول عمقی و بدور از تغییرات ظاهری است.»**

**خامنه‌ای در اظهارات خود با طرح موضوع بازنشستگی معلمان، پیگیری حذف و سیاست پاک‌سازی آموزش و پرورش از دگراندیشان را مورد تاکید قرار داد و گفت: «برای جبران کمبود معلم باید ظرفیت دانشگاه‌های معلم‌پرور افزایش یابد و مراکز مسئول، ضوابطی برای جذب معلمان قرار دهند تا افراد بدون حساب وارد آموزش و پرورش نشوند.»**

 **سرانجام دو روز پس از سخنان خامنه‌ای، منصور کبگانیان دبیر ستاد راهبری نقشه جامع علمی کشور امروز سه شنبه 19 اردیبهشت 1396 - 9 مه 2017، گفت: «طبق مطالبه رهبر انقلاب، بخش آموزش سند 2030 در حال حاضر متوقف شده است.»**

**کبگانیان که عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی هم هست به دولت انتقاد کرد که «چرا در شهریورماه سال گذشته، سی کمیته و کارگروه بدون اطلاع شورای عالی انقلاب فرهنگی، اجرای این سند را عهده‌دار شده است.»**

**«این اقدامات هیچ‌کدام به صورت رسمی به شورای عالی انقلاب فرهنگی گزارش نشده است.»**

**کبگانیان گفت: «با مداخله رهبر دیگر نیازی به مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی نیاز نیست، چرا که این موضوع در حوزه اختیارات ولی فقیه است و به این ترتیب اکنون اجرای این سند غیرقانونی است.»**

**او هم‌چنین گفت: «طبق شنیده‌ها معاون اول رییس جمهوری نیز بر عدم اجرای این سند تاکید و آن را ابلاغ کرده است.» به گفته کبگانیان حتی اگر یک بند از سند 2030 با اسناد بالادستی شورای عالی انقلاب فرهنگی مغایرت داشته باشد باید اجرای سند متوقف شود. او به برخی از موارد این مغایرت اشاره کرد، از جمله موضوع حقوق همجنس‌گرایان که در ایران «به‌رسمیت شناخته نمی‌شود و مغایر شریعت اسلام است» و هم‌چنین در «حوزه بالادستی در بخش اقتصاد، انرژی، هوافضا، فرهنگ و سبک زندگی هم مغایرت وجود دارد.»**

**این عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی گفت قرار شده این شورا در درباره سند 2030 یک جلسه دو فوریتی تشکیل دهد که به دلیل ایام انتخابات، این موضوع در اولویت دوم قرار گرفت.**

**اما اکنون با مداخله رهبر ایران کار شورای عالی فرهنگی راحت شده چون موضوع این سند اکنون منتفی است و به مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی هم دیگر نیازی نیست.**

**کبگانیان با انتقاد از کشورهایی که سند 2030 را پذیرفته‌اند آن‌ها را کشورهایی «ضعیف و فاقد قدرت و برنامه‌های فرهنگی» خواند و گفت ایران در دهه گذشته به جایی رسیده که خود برای جهانیان حرف دارد و دیگر نمی‌شود چیزی را به آن تحمیل کرد.**

**آیت‌الله رشاد، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در گفتگو با خبرنگار «مهر» با بیان این که امضای سند 2030 نمونه‌ای از پیگیری پروژه نفوذ بیگانگان در کشور است، اظهار داشت: «در چند سال اخیر مقام معظم رهبری‌(دام ظله) بارها نسبت به توطئه و ترفندهای نفوذ بیگانگان در ساختار اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی هشدار داده بودند، اما باید اذعان کرد که متاسفانه تاکنون این هشدارها و انذارها، از سوی مصادر امور جدی گرفته نشده است.»**

**آیت‌الله رشاد، در گفتگو با خبرگزاری مهر‌(20 اردیبهشت 96)، گفته است: «سند ۲۰۳۰ یادآور قراردادهای عهد قجری و پهلوی است.» به‌گزارش خبرنگار مهر، سند آموزش 2030 یونسکو با رویکرد تاثیر بر همه‌ حوزه‌های آموزشی کشورها، در سال 2015 میلادی و برای اقدام عملی کشورها، در سازمان ملل متحد ارائه شد. جمهوری اسلامی ایران نیز از کشورهای شرکت‌کننده در این اجلاس بود که متعهد به اجرای این سند شد و در سال 1395، سند ملی آموزش 2030 را امضاء کرد. اگرچه این سند در ماه‌های اخیر مورد اعتراض نهادهای مختلف قرار گرفت و دل‌سوزان انقلاب در مورد آفت‌های آن هشدارهای لازم را به دولت داده بودند، اما متاسفانه شاهد امضای این سند به صورت محرمانه و اجرایی شدن آن در کشور بودیم.**

**چندی پیش رهبری معظم انقلاب در دیدار با معلمان و فرهنگیان از امضای این سند انتقاد کرده و بر توقف اجرایی شدن آن تاکید کردند: «این سند 2030 سازمان ملل و یونسکو و این حرف‌ها، این‌ها چیزهایی نیست که جمهوری اسلامی بتواند شانه‌اش را زیر بار این‌ها بدهد و تسلیم این‌ها بشود. به چه مناسبت یک مجموعه‌ به‌اصطلاح بین‌المللی -که قطعا تحت نفوذ قدرت‌های بزرگ دنیا است- این حق را داشته باشد که برای کشورهای مختلف، برای ملت‌های گوناگون، با تمدن‌های مختلف، با سوابق تاریخی و فرهنگی گوناگون، تکلیف معین کند که شما باید این‌جوری عمل کنید؟ اصل کار، غلط است. اگر چنان‌چه با اصل کار شما نمی‌توانید مخالفت بکنید، حداقلش این است که بایستید بگویید جمهوری اسلامی خودش خط‌مشی دارد، خط و ربط دارد، ما سندهای بالادستی داریم، ما می‌دانیم باید در زمینه‌های آموزش، پرورش، اخلاق، سبک زندگی چه‌کار کنیم؛ احتیاج به این سند وجود ندارد. این‌که ما برویم سند را امضاء کنیم و بعد هم بیاییم شروع کنیم بی‌سروصدا اجرائی کردن، نخیر، این اصلا مطلقا مجاز نیست؛ ما اعلام هم کرده‌ایم به دستگاه‌های مسئول. بنده از شورای عالی انقلاب فرهنگی هم گله‌مند هستم؛ آن‌ها باید مراقبت می‌کردند، نباید اجازه میدادند این ‌کار تا این‌جا پیش بیاید که ناچار بشویم ما جلوی آن را بگیریم و ما وارد قضیّه بشویم.»**

**جبار کوچکی‌نژاد نیز با اشاره به جریان افتادن بحث استیضاح وزیر آموزش و پرورش اظهار کرد: «به دلیل دوشغله بودن وزیر آموزش و پرورش و حضور او در شرکت خصوصی واردات کالا، بحث استیضاح وزیر آموزش و پرورش مطرح و به هیئت رییسه مجلس شورای اسلامی تحویل شد.»**

**او افزود: «نمایندگان مجلس، هم‌چنین ماده 236 را امضاء کردند که امروز اعلام وصول می‌شود و براساس این ماده گزارشی از روند تهیه سند آموزش 2030 جمع‌آوری می‌شود تا مشخص شود که چرا دولت سند 2030 یونسکو را تایید و ابلاغ کرد و وزیر‌آموزش و پرورش آن را در برنامه‌های خود قرار داده است.**

**شیخ حسن روحانی، رییس ‌جمهوری ایران، روز سه‌شنبه نهم خرداد گفت که «رفع دغدغه‌ها و رعایت دقیق منویات»‌ رهبر جمهوری اسلامی در این زمینه در دستور کار شورای عالی انقلاب فرهنگی خواهد بود.**

**به‌گزارش خبرگزاری تسنیم، حسن روحانی با اعلام این موضوع در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره سند 2030، گفت: «طبیعی است که غرب و حتی شرق درصدد ترویج یا تحمیل فرهنگ و سبک زندگی خود باشند اما بایستی به همراه کشورهای اسلامی و دارای فرهنگ مشترک با قدرت از چارچوب های دینی و فرهنگ ملی خود دفاع و صیانت کنیم.»**

**او که ریاست شورای عالی انقلاب فرهنگی را برعهده دارد،‌ ادعا کرد که بسیاری از اسناد و کنوانسیون‌های مشابه بین‌المللی، بویژه یونسکو، الزام‌آور نیستند و اضافه کرد: «در مورد سند 2030 هم صراحتا اعلام شده که صرفا در حدود ضوابط دینی، قانونی و فرهنگی خود عمل خواهیم کرد.»**

**به‌نوشته تسنیم، قرار شد شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسات بعدی نظر نهایی خود را درباره سند 2030 به افکار عمومی ارائه کند.**

**در حالی که رسانه‌ها پس از انتقاد خامنه‌ای، برخی سران حکومت اسلامی ایران، اعلام کردند که اجرای این سند متوقف شده است.**

**هم‌چنین حسن روحانی در جریان مبارزات انتخاباتی‌اش، رقبای خود را متهم کرده بود که «گزارش دروغ» درباره این سند برای رهبر جمهوری اسلامی فرستاده‌اند و در روستاها، «شبنامه» پخش کرده و برخی مباحث را مطرح کرده‌اند که در سند وجود ندارد.**

**فخرالدین دانش آشتیانی، وزیر آموزش پرورش، روز هفتم خرداد اعلام کرد که جمهوری اسلامی موظف به اجرای این سند نیست و علی لاریجانی، رییس مجلس، نیز گفت که مصوبه دولت درباره این سند «به لحاظ شکلی» با قوانین ایران مغایرت ندارد.**

**به‌گزارش خبرگزاری خانه ملت، وابسته به مجلس شورای اسلامی، وزیر آموزش و پرورش، پس از جلسه کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس درباره سند 2030 یونسکو گفت: «ایران از یونسکو حق تحفظ گرفته است، بدین معنا که اگر هر کدام از توصیه‌های آمده در این بیانیه با باورهای دینی ما مغایرت داشته باشد ملزم به اجرای آن نیستیم.»**

**هم‌چنین علی لاریجانی رییس مجلس، روز هفتم خرداد در پاسخ به تذکر یکی از نمایندگان گفت که براساس نظر«هیئت تطبیق مصوبات» مجلس که مصوبات دولت را «به لحاظ شکلی» با قوانین تطبیق می‌دهد، این مصوبه ایراد قانونی نداشته است.**

**حکومت اسلامی ایران، برخلاف پیمان‌نامه حقوق کودک، دانش‌آموزان را برای آموزش نظامی به پادگان‌ها می فرستند. برخلاف تعهدات بین‌المللی حکومت اسلامی ایران، تحت عنوان الحاق به پیمان‌نامه حقوق کودک و بخش عدم به کارگیری کودکان در امور نظامی، «دانش‌آموزان منطقه 8 به همت سازمان بسیج دانش‌آموزی به مدت 4 روز در پادگان لشکر 27 به میدان تیر برده شدند.»**

**بر اساس پیمان‌نامه حقوق کودک، یک کودک، فرد زیر سن 18 سال تعریف می‌شود. ایران از سال 1373 به این پیمان پیوسته است.**

****

**بر اساس این تعهدنامه استفاده از کودکان و نوجوانان در نظامی‌گری ممنوع است اما با این حال، حکومت اسلامی در بخش‌های کار کودکان، مجازات و اعدام کودکان و ازدواج قانونی کودکان این بخش از تعهدات نیز با آموزش نظامی و به کار گیری افراد زیر سن 18 سال نادیده گرفته می‌شود.‌(منبع: هرانا)**

**روحانی، در جشن سپاس از ستادهای انتخابی‌اش، گفت: «چه‌قدر رفتند سم‌پاشی کردند، گفتند اسلام از دست رفت و در تمام مدارس ما اخلاق زیر پا گذاشته می‌شود. هرکسی تهمت زد، توهین کرد و غیبت کرد از همه گذشتم ولی از این توطئه 2030 نمی‌گذرم. یک‌وقتی شما امام زمان را ابزار سیاست قرار می‌دهید که مردم جواب دادند یک‌وقت امام رضا را ابزار قرار می‌دهید و مردم جواب می‌دهند. تو را به‌خدا دین را ابزار سیاست نکنید؛ چرا به معلمان و دانش‌آموزان ما توهین کردید؟ من از 2030 نمی‌گذرم و تا آخر دولت دوازدهم آن را دنبال می‌کنم.»**

**کودکان آسیب‌پذیرترین بخش جامعه انسانی، نخستین کسانی هستند که در معرض هجوم مستقیم انواع ناگواری‌ها، فشارها و مشکلات قرار دارند. امروزه میلیون‌ها کودک در سراسر جهان به‌خاطر عدم توجه دولت‌ها به حقوق کودک، بی‌سرپرستی، آواره‌گی‌های ناشی از جنگ و بلاهای طبیعی، تغذیه نامناسب، آلودگی به انواع بیماری‌های خطرناک، اعتیاد والدین و...، در شرایط دشواری به سر می‌برند یا در چنگال باندهای مافیایی به انواع سوءاستفاده‌های انسانی مانند توزیع مواد مخدر، خودفروشی و کار اجباری تن می‌دهند و حقوق آن‌ها نقض می‌شود.**

**البته چگونگی نقض حقوق کودکان، در نقاط مختلف جهان متفاوت است. در کشورهای در حال توسعه، کودکان، بیش‌تر با فقر و پی آمدهای ناشی از آن مانند سوءتغذیه، کمبود امکانات بهداشتی، درمانی و تحصیلی دست به گریبان هستند. در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته، کودکان مشکلات دیگری دارند. در کشورهایی هم‌چون ایران، که خرافات ملی و مذهبی و سانسور و اختناق و فقر و بیکاری حاکم است، وضعیت حقوقی کودکان اسف‌بار است و جایگاهی ندارد.**

**در آموزه‌های «آسمانی» اسلام و قوانین حکومت اسلامی، برای همه کودکان از دختر و پسر همانند زنان و مردان، حقوق و مزایای برابری ندارند و همگان در معرض انواع و اقسام خشونت و بی‌رحمی قرار داده شده‌اند. کودک‌آزاری، آزادی‌ستیزی و قلدری و گردن‌کشی در حکومت اسلامی ایران به حدی نهادینه شده است که فقط تنها عده معدودی از شهروندان، در رفاه و آرامش زندگی می‌کنند در حالی که اکثریت مردم ایران، زندگی مشقت‌بار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارند. در این میان، خشونت نسبت به کودک در حکومت اسلامی ایران هیچ حد و مرزی ندارد.**

**کودکان نیز مانند هر انسان دیگری دوست دارند، به شخصیت‌شان و حقوق‌شان احترام گذارده شود. از این‌رو، کودکانی ایرانی، در برابر تعرضات و سوء‌استفاده ها نه قدرت دفاع دارند و نه از حمایت‌های قانونی برخوردارند.**

**نوع دیگر نگاه سران و ارگان‌های حکومت اسلامی ایران نسب به کودکان، این است که نه تنها جزو وظایف ذاتی حاکمیت نمی‌دانند که از حقوق حدود 30 درصد از جامعه زیر 18 سال را پیگیری کنند، بلکه قوانین موجودشان نیز دست همه کودک آزاران را در جامعه و خانواده و محیط کار و مدرسه باز گذاشته است. در چنین وضعیتی، کودکان پناهجویان و مهاجرین و فقرا، همواره در معرض خشونت قرار گرفته‌اند.**

**در ایران بحث آزار، بهره‌کشی، مسئولیت دولت، خانواده و جامعه در بحث مراقبت از کودکان و نوجوانان چندان مطرح نیست از این‌رو، ارگان‌های مسئول حکومتی در برابر انواع رفتارهایی غیرانسانی در بهره‌کشی از کودکان و راهکارهای پیشگیرانه و خدمات حمایتی مربوط به اطفال بزه‌دیده و در معرض خطر بی‌‌تفاوت هستند.**

**آزار سلامت جسمی، روانی، اخلاقی یا عاطفی طفل یا نوجوان را مورد آسیب قرار می‌دهد اساسا نه تنها حال، بلکه آینده جامعه را با معضلات عدیده‌ای مواجه می‌سازد. تامین نیازهای اساسی و ضروری طفل، نوجوان، سرپرستی، نظارت از آن‌ها توسط والدین، اولیا یا سرپرست قانونی یا هر شخصی که ملکف به نگهداری از او است، تحت عنوان «سهل‌انگاری» نادیده گرفته می‌شود. حکومت موظف است بدون توجه به جنسیت کودک و جوان، زندگی آن‌ها را تا 18 سالگی، به خصوص در عرصه تحصیلی و بهداشتی تامین کند.**

**امروز در ایران، میلیون‌ها کودک به دلیل بیکاری و فقر خانواده‌هایشان ترک تحصیل کرده اند و وارد بازار کار بی‌رحمانه و خشن سرمایه‌داری شده‌اند.**

**در قوانین حکومت اسلامی ایران، برخی مسائل هولناک مانند اعدام و استثمار کودکان تصریح شده است. یا فعالین انجمن‌هایی که کم و بیش در حوزه حمایت از حقوق کودک در حد امکانات خود فعالیت می‌کنند، همواره مورد تهدید قرار می‌گیرند. یا کودکان بی‌سرپرست را به سازمان‌های می‌سپارند یا آن‌ها را به خانواد‌هایی واگذار می‌کنند که صلاحیت نگهداری از آن کودک را ندارند و...**

**حاکمیت و جامعه ایران، به‌سادگی از کنار کودکانی می‌گذرند که هر روز در شهرها به کارهای مختلف و پرخطری مشغولند و این کودکان شدیدا تحت استثمار قرار دارند؛ حتی برخی از کودکان جامعه ایران، ابزاری برای تسریع جرایمی مانند مواد مخدر و غیره شده‌اند و این نوع جرایم هر روز در حال افزایش است.**

**واقعا عامل استثمار و سوء‌استفاده از کودکان کار و خیابان کیست؟ مسئولیت تامین زیست و زندگی و تحصیل و بهداشت و درمان کودکانی که در روز روشن در سر چهار راه‌ها مورد استثمار قرار می‌گیرند با کیست؟**

**واقعا سران و مقامات و مسئولین حکومت اسلامی، گزارش‌های روزنامه‌های خود را نیز نمی‌خوانند تا بلکه کمی شرم کنند و با کمال وقاحت از «کرامت انسانی» سخن به میان نیاورند!‌(نمونه این گزارشات در ضمیمه آمده است)**

**می‌بینیم که سران حکومت اسلامی، چگونه ریاکاری می‌کنند و رسما به مردم اطلاعات دروغ می‌دهند تا منافع و موقعیت خود و حاکمیت‌شان را تضمین کنند. این حکومت با کلیه جناح‌بندی‌هایش، حکومتی مافیایی و تروریستی و ضدانسان و آزادی‌ستیز است از این‌رو، حکومت اسلامی ایران نیز مانند همه حکومت‌های سرمایه‌داری فاشیستی، بی‌تردید از سوی مردم آزاده جامعه ایران، روانه گورستان تاریخ خواهد شد!**

**سند آموزشی یونسکو برای سال 2030 که به سند 2030 معروف است، بر مسائلی چون تضمین آموزش برابر و فراگیر، محیط‌ زیست، برابری جنسیتی و فرصت‌های برابر اجتماعی برای زنان و مردان، حقوق بشر، رفع تبعیض از اقلیت‌ها و ترویج فرهنگ صلح و عدم خشونت تاکید دارد. مسایلی که حکومت اسلامی ایران، حتی بر زبان آوردن این واژه‌ها را جرم می‌شمارد.**

**ضمیمه:**

**روز سه‌شنبه، 9 خرداد ماه 1396 - 30 مه 2017، روزنامه ايران نوشت: «همه‌چیز از مرگ سوزناک احد و صمد آغاز شد. همان دو برادر ناتنی 7 و 8 ساله افغان که به دور از پدر و مادر، به ایران پناه آورده بودند و در یک گاراژ جمع‌آوری ضایعات کار می‌کردند تا مخارج خانواده نابسامانشان در افغانستان را تامین کنند، اما سرنوشت برایشان خواب بدی دیده بود. بیست و سوم دی‌ماه سال گذشته، شب هنگام، بخشی از گاراژ آتش گرفت و دو برادر که شب‌ها را در همان گاراژ متعفن و مملو از جانوران موذی می‌خوابیدند، در چشم به هم زدنی اسیر شعله‌ها شدند و جان شیرینشان را به زبانه‌های خشمگین آتش سپردند...**

**... متاسفانه تاکنون 680 مورد در تهران و بیش از 1000 کودک و نوجوان زباله‌گرد در شهرستان‌ها شناسایی شده‌اند که با شرایط موجود، تخمین زده می‌شود تعداد آن‌ها در سطح کشور به 120 هزار نفر برسد.**

**... وقتی سر از گاراژها در آوردیم امیدوار بودیم کارفرمایی وجود نداشته باشد و بچه‌ها کار تفکیک زباله را –که قاعدتا باید با دستگاه‌های مکانیزه صورت بگیرد- با چندین واسطه انجام دهند، اما متاسفانه متوجه شدیم واقعیت با انتظارات ما فاصله بسیاری دارد و بچه‌های ایرانی و افغان به‌طور مستقیم با پیمان‌کارانی که با شهرداری کار می‌کنند، در ارتباط هستند و در ازای پرداخت مبالغی قابل تامل، در مراکز تفکیک زباله استخدام می‌شوند. این گاراژها فاقد هرگونه امکانات بهداشتی و مملو از جانوران موذی هستند که در میان کوه‌های زباله موجود در آن‌ها وول می‌خوردند. بدتر از همه این‌که برخی از کودکان به‌دلیل نداشتن یا دور بودن از خانواده، شب‌ها را در همین گاراژ‌ها به صبح می‌رسانند و به انواع و اقسام بیماری‌های عفونی مبتلا هستند.**

**میانگین ساعت کار این کودکان و نوجوانان زباله‌گرد به‌طور متوسط 10 و نیم ساعت است و گاهی اوقات ساعت کار شبانه‌روزی آن‌ها به 18 ساعت و حتی بیش‌تر هم می‌رسد. این در حالی است که از حداقل تغذیه و پایین‌ترین سطح ممکن بهداشت برخوردارند. چیزی به‌نام «دست‌کش» در این گاراژها وجود ندارد، چه برسد به این‌که بچه‌ها ماسک به صورت داشته باشند. کارفرماها تهیه دستکش و ماسک را پرهزینه می‌دانند و بچه‌ها هم برای اینکه پول بیش‌تری کاسب شوند، ترجیح می‌دهند بدون ماسک و دست‌کش کار کنند. آن‌ها نمی‌دانند چه آینده سیاهی در انتظارشان است و وقتی سرانگشتان دست و پاهایشان با اشیای تیز داخل زباله‌ها زخمی یا طعمه دندان‌های تیز موش‌های گرسنه می‌شود، با تکه پارچه‌ای که از دل همان زباله‌ها پیدا می‌کنند، زخم دست و پایشان را می‌بندند؛ غافل از این‌که به‌دلیل ابتلا به بیماری‌هایی مثل ایدز، هپاتیت، حصبه، کزاز، اسهال خونی، انگل‌های روده‌ای، سالک پوستی، زانو درد و کمر دردهای بی‌امان، فرصت چندانی برای زندگی سالم نخواهند داشت.**

**در این گاراژ‌ها، متناسب با تعداد و بسته به نگاه و تصمیم کارفرما، تعداد کودکان زباله‌گرد متفاوت است، به‌طوری که در برخی از این گاراژها تعداد این بچه‌ها به 100 نفر هم می‌رسد که برای همان جای خواب متعفنی که در اختیارشان گذاشته می‌شود، مبالغ قابل‌توجهی به کارفرما می‌پردازند. این کودکان دست از زندگی شسته‌اند و خود را مسئول تام تامین هزینه‌های خانواده خود می‌دانند، آن‌ها نه تنها آرزوهای‌شان را فراموش کرده‌اند، بلکه وقتی پای حرف‌های‌شان می‌نشینی، در کمال تاسف می‌بینی که بسیاری‌شان حتی نمی‌دانند آرزو چیست؟! تعدادی‌شان آرزویی جز مرگ نداشتند و تعدادی از آن‌ها هم آرزوهایی داشتند که بیش‌ترشان در زمره پیش پا افتاده‌ترین آرزوهای کودکان اطراف قرار می‌گیرند.**

**«درس خواندن» آرزوی مشترک بسیاری از بچه‌های زباله‌گرد است. تعدادی از آن‌ها تصوری از مدرسه و درس خواندن دارند که همان خاطرات عطش‌شان برای درس خواندن را بیش‌تر می‌کند و تعدادی هم از روی شنیده‌هاست که آرزوی مدرسه رفتن دارند. آرزوهایی مثل «آرزوی داشتن مادر»، «خوردن غذای گرم»، «یک وعده غذای خوب»، «یک بسته مداد رنگی» و... عمده فهرست آرزوهای این بچه‌ها را تشکیل می‌دهند. وقتی به حرف‌هایش گوش می‌دهیم و این قبیل داشته‌های پیش پا افتاده را از زبان معصوم‌شان می‌شنویم، دردی در گلو چنبره می‌زند، اما دردناک‌تر آن است که یکی از آن‌ها آرزو داشت خدا کمک کند تا او قلب کسی را نشکند و کودک دیگری که آرزو داشت، کسی پیدا شود و «انگشتان موش جویده» دوستش را خوب کند! آن‌ها نمی‌دانند این بی‌مبالاتی جامعه و مدیریت شهری است که او و دوستانش را از دنیای کودکانه‌شان دور و آینده‌شان را تباه کرده است.**

**کودکانی که ناگهان پیر می‌شوند. از قدیم گفته‌اند «حرف راست را از بچه بشنو»، اما گاهی اوقات شنیدن برخی از واقعیت‌ها از زبان کودکان، به شکنجه‌ای دردناک می‌ماند. باورش سخت است اما با دیدن سرانگشتان خورده شده کودکانی که بار زندگی را بر شانه‌های نحیف‌شان می‌کشند، راهی جز پذیرفتن نداری. کودکی با پای برهنه، لباس‌های مندرس و موهای ژولیده دست‌هایش را تا آرنج داخل کوهی از زباله فرو برده و بطری‌های پلاستیکی، قوطی‌های فلزی و مقواهای چرک را بیرون می‌کشد و در گونی بزرگ و وصله پینه خورده‌ای که تا دقایقی قبل روی شانه‌هایش جا خوش کرده بود، می‌ریزد. بدون این‌که از آن همه پلشتی احساس رقت انگیزی سراپای وجودش را بگیرد لبخند تلخی گوشه لبانش می‌نشیند و خوشحال است که تا قبل از غروب آفتاب، پول خوبی کاسب می‌شود.**

**امید پسر بچه 10 ساله‌ای که از بلوچ‌های ایران است و از مدتی قبل به تهران آمده است، در مورد کارش می‌گوید: من بیش‌تر زباله‌های منطقه اشرف‌آباد و زمان‌آباد شهر ری را جمع می‌کنم. من و پدرم صبح ساعت 8 با ماشین‌های بزرگ به این‌جا می‌آییم و تا تاریک شدن هوا سطل آشغال‌ها را می‌گردیم و بعد از آن با همان ماشین‌ها به گاراژ برمی گردیم و تا ساعت 2 نیمه‌شب آشغال‌ها را سوا می‌کنیم. ناهار را بیش‌تری از داخل سطل زباله‌ها پیدا می‌کنیم و شام را هم درگاراژ می‌خوریم. مادرم و دو برادر کوچکترم و خواهر هفت‌ساله‌ام در افغانستان زندگی می‌کنند و من و پدرم هر ماه برایشان پول می‌فرستیم تا راحت‌تر زندگی کنند.**

**حبیب، دوست 16 ساله امید است. او هم تا پایه پنجم ابتدایی را در شهر هرات افغانستان خوانده و از 4 ماه قبل به اسلامشهر آمده است. می‌گوید: در افغانستان زندگی خیلی سخت بود، دو سالم بود که پدرم فوت کرد و مادرم با قالیبافی مخارج ما را تأمین می‌کرد، اما حالا من بزرگ شده‌ام و کار می‌کنم تا خرج مادر، دو برادر کوچک و خواهر 8 ساله‌ام را تامین می‌کنم. چند سال قبل در تهران در سنگکاری کار می‌کردم، اما درآمد خوبی نداشتم ولی حالا با زباله‌گردی پول خوبی در می‌آورم. در گاراژی که من کار می‌کنم 8 بچه دیگر هم هستند که به همراه صاحب‌کارمان در آن‌جا زندگی می‌کنیم، هر چند روز یک بار آب گرم می‌کنیم و بدن‌مان را می‌شوییم. این سختی‌ها برایم اهمیتی ندارد، اما من و دوستان افغانی‌ام بارها توسط مامورهای شهرداری کتک خورده‌ایم، رد مرز شده‌ایم و دوباره با پرداختن یک میلیون تومان به ایران بازگشته‌ایم. این ماجرا‌ها شرایط را سخت می‌کند اما زندگی‌مان می‌گذرد. حبیب که آرزو دارد خانواده‌اش خوشحال باشند و غذایی برای خوردن داشته باشند، می‌گوید، جز درس خواندن و خوشحالی خانواده‌ام آرزوی دیگری ندارم.**

**عماد بلوچ است و به‌راحتی فارسی صحبت می‌کند. اما از ترس این‌که مبادا کسی صدایش را بشنود با صدایی دزدیده گفت: من و چند نفر دیگر از بچه‌ها ساعت 8 صبح در خیابان اختیاریه پیاده می‌شویم و شروع به گشتن در تمام سطل‌های زباله اطراف می‌کنیم تا هرچه مقوا، بطری پلاستیکی و قوطی فلزی هست، در گونی هایمان جمع کنیم. ناهارمان را از داخل سطل‌های زباله پیدا می‌کنیم. با تکه‌های نان و هر چیزی که قابل خوردن باشد، شکم ما‌ن را سیر می‌کنیم. تا قبل از تاریک شدن هوا سعی می‌کنیم همه سطل‌های زباله را بگردیم تا پول بیش‌تری در بیاوریم.**

**عماد با اشاره به این‌که برای جمع‌آوری زباله در خیابان‌های شهر باید کارت‌های فصلی 200 تا 400 هزار تومانی داشته باشیم که از کارفرماها می‌خریم، گفت: اگر این کارت‌ها را نداشته باشیم عموهایی که می‌گویند کارمند شهرداری هستند، ما را می‌گیرند و کتک می‌زنند، یک‌بار هم دوستم هارون را که افغانی است، به‌خاطر نداشتن کارت فصلی رد مرز کردند و او را تا چند روز در اردوگاه «سفید سنگ» نگه داشتند و بعد به افغانستان، فرستادند اما چون در کشور خودشان کار نیست، هارون دوباره یک میلیون تومان پول خرج کرد و قاچاقی به ایران برگشت. تازه همین عموها وقتی ببینند آشغال‌ها را با گاری جابه‌جا می‌کنیم بازهم کتک‌مان می‌زنند برای همین بهتر است آشغال‌ها را به کول بگیریم تا ضرر نکنیم اما حاضریم پول بیش‌تری بدهیم تا در گاراژ غذا و جای خواب داشته باشیم، کمتر کتک بخوریم و از کار هم بیکار نشویم.**

**بچه‌های زباله گرد منطقه «احمدآباد مستوفی» اما با بچه‌های اسلامشهر که بدون خانواده به ایران آمده‌اند، یا زباله‌گردهای شمال شهر تهران که به دلیل نوع زباله محله‌های اعیان‌نشین درآمد بهتری دارند، متفاوتند. این بچه‌ها همین که به خودشان می‌آیند، کودکی‌شان را در دل زباله‌ها پیدا می‌کنند چراکه به همراه خانواده‌های‌شان در زاغه‌هایی روح خراش زندگی می‌کنند و راهی ندارند جز این‌که کار پدران‌شان را دنبال کنند و در کوچه پس کوچه‌های مملو از زباله بگردند و دورریختنی‌های - به زعم خود - ارزشمند را جدا کنند تا پس از فروش آن‌ها بخشی از مخارج خانواده را تامین کنند.**

**مریم یکی از همین بچه‌های بلوچ است که هشت سال بیش‌تر ندارد و به همراه برادر کوچک‌ترش امیر، صبح که از خواب بیدار می‌شود تا ساعات پایانی شب در میان زباله‌های متعفنی که دور تا دور آلونکشان را پوشانده است، می‌گردد و به قول خودش برای خانواده پول درمی‌آورد. در حرف‌هایش خبری از شیرین زبانی‌های دخترانه نیست، اصلا نمی‌داند آرزو چیست که بخواهد آرزویی را به زبان بیاورد، اما می‌گوید، ای‌کاش مردم آشغال‌هایشان را جدا می‌کردند تا من مجبور نباشم ساعت‌ها این همه آشغال را کنار بزنم تا مقوا‌ها و بطری‌ها را پیدا کنم. مریم گمان می‌کند همه عروسک‌های دنیا، شبیه عروسک شکسته او چشم ندارند و صورت‌شان سیاه است.**

**مریم اصلا نمی‌داند بوی خوش یعنی چه؟ چه حیف که او تصویری از خانه‌ای تمیز، غذای خوشمزه، نشستن پشت نیمکت کلاس درس و بازی‌های دخترانه ندارد.**

**این‌ها همه پسر بچه‌هایی هستند که در گاراژهایی در نقاط مختلف تهران زندگی می‌کنند و به‌جای کودکی کردن، خود را مرد و مسئول خانه و خانواده می‌دانند؛ کودکانی که نمی‌دانند چه آینده تاریکی در انتظارشان است، چراکه تلقی چندانی از زندگی، سهم و حق خود از زندگی و آینده خود ندارند. درست مانند نبی که نزدیک به یک‌سال است از افغانستان به ایران آمده تا کار کند و خرج مدرسه رفتن خواهر کوچک‌ترش و هزینه‌های خانواده را تامین کند. می‌گوید: 12 ساله هستم. قبلا در افغانستان مدرسه می‌رفتم، سواد خواندن و نوشتن دارم اما چه فایده، دیگر خبری از درس و مدرسه نیست و تنها باید کار کنم تا خانواده‌ام گرسنه نمانند.»**

**شنبه سیزدهم خرداد 1396 - سوم یولی 2017**

**\*یادداشت روز دیدگاه**